

بررسی نقشمایه های جانوری در قالی ترکمن^۱

فرانک کبیری^۱، پریسا امیر حاجلو^۲

۱- مربی، گروه صنایع دستی، دانشکده هنر، دانشگاه شهرکرد، (نویسنده مسئول)

۲- کارشناسی صنایع دستی دانشکده هنر دانشگاه شهرکرد
(تاریخ دریافت مقاله: ۹۳/۱/۲۴، تاریخ پذیرش نهایی: ۹۳/۵/۱۵)

چکیده:

قالی بافی از هنرهای بومی و منطقه ای ایرانیان با سابقه ای بسیار کهن است که در آن سلیقه هنرمندان ایرانی به خوبی مشاهده می گردد، با نگاهی به کتاب هایی که در این زمینه تألیف شده اند، شاهکارهایی از این هنر را می توان دید که در موزه های معتبر یا مجموعه های خصوصی نگهداری می شوند، اکثر این آثار منابع بسیار خوبی برای مطالعه هنر فرشبافی ایران از زمان صفویان تا دوران معاصر هستند، در کنار این آثار منابع دیگری نیز وجود دارد که با مراجعه به آنها، می توان شناختی نسبی در مورد گذشته فرشبافی ایران پیدا نمود، از جمله این منابع سفرنامه ها و کتاب هایی است که توسط اشخاص خارجی در مورد کشورمان تألیف شده است.

همانطور که می دانید قاجارها با گذر از دوره های پر آشوب افشار و زند بر روی کار آمدند. در زمان حکومت این طایفه بر ایران، تجارت با کشورهای خارجی گسترش بیشتری پیدا می کند و همین امر باعث زوال تدریجی اغلب صنایع در ایران می شود، در این میان تنها هنر فرشبافی است که از این قاعده مستثنی است، و این مهم به عوامل مختلفی بستگی داشته است، از جمله این عوامل، حمایت برخی شاهان قاجار از این هنر و همچنین برپایی چند نمایشگاه فرش در کشورهای اتریش و انگلستان است. اما یکی از مهمترین دلایل رونق فرشبافی ایران عصر قاجار، حضور سفرا و نمایندگان و جهانگردان خارجی و توصیف هایی است که آنها از این متاع گرانبها، در کتاب هایشان آورده اند، مقالات و دست نوشته های آنها که در مورد ایران به چاپ می رسانند باعث آشنایی بیشتر مردم مغرب زمین با این هنر اصیل ایرانی می شود.

با مرور و خواندن نوشته های این افراد، علاوه بر آشنایی با زندگی ایرانیان عصر قاجار، از چگونگی شیوه تولید و فروش قالی ایران در این دوران آگاهی بیشتری می یابیم، سنتی که در این عصر با همت هنرمندان و تولید کنندگان ایرانی دوباره احیاء و رونق پیدا کرده بود.

واژه های کلیدی:

قاجاریان، سفرنامه، قالی، ایران.

۱- این مقاله برگرفته از پایان نامه با عنوان "بررسی تطبیقی گبه و گلیم قشقایی با قالی ترکمن"، جهت اخذ درجه کارشناسی صنایع دستی، می باشد.

مقدمه:

قالی های ایرانی نشانگر نوع زندگی ایرانیان و شیوه ای از بیان جهان بینی، اعتقادات، آداب و رسوم و هنر خالقان آنها می باشند. قالی های ترکمن نیز از این قاعده مستثنی نیستند. اما آنچه مسلم است اینکه برای فهم منظور این نقوش، بایستی با زبان آنها آشنا شد و این میسر نیست مگر اینکه پیشینه نقوش و جنبه های نمادین آنها شناسایی شوند. در این مقاله سعی شده پس از آشنایی مختصری با قوم ترکمن از نظر تاریخی، جغرافیایی، فرهنگی و هنری؛ انواع طرح و نقشه قالی ترکمن را معرفی نموده و به بررسی نقشمایه های آنها پرداخته شود. سپس نقوش جانوری به طور اخص بررسی و علت به کارگیری آنها و منظور بافنده از نقش کردن آنها با تاملی بر جنبه های نمادین، بیان شود. پس از آن، دلیل به کارگیری اعضای بدن حیوانات در ارایه دیدگاه بافنده ذکر می گردد.

نگارندگان این مقاله در پی یافتن پاسخ، برای پرسش زیر هستند.
* بازنمایی نقش و نقشمایه های حیوانات نماد چه هستند و اعضای بدن کدامیک از حیوانات در قالی های ترکمن دیده می شوند؟

پیشینه پژوهش:

در مورد قالی ترکمن مطالب گوناگونی وجود دارد. کتاب نقش های قالی ترکمن و اقوام همسایه، نوشته ی پژوهشگر ارجمند علی حصوری است که بیشتر به معرفی تصویری قالی ترکمن و همانگونه که در عنوان کتاب هم مشخص است؛ اقوام همسایه پرداخته است.

در مجله گلجام دو مقاله از جمال الدین توماج نیا موجود است با موضوع: نقش درخت زندگی در فرش های ترکمنی در شماره های ۵ و ۴ و مقاله دیگر نمازلیق ترکمنی (جانمازهای ترکمنی) در شماره ۶ و ۷ که اولی تنها به نقش درخت زندگی در این قالی ها پرداخته و دیگری به نمازلیق ها که مسلما در آنها نمی توان نقوش حیوانی را یافت.

مقاله دیگری با عنوان: ریشه یابی و سبک شناسی طرح و نقش در قالی ترکمن نوشته: فرخنده نورایی در سومین کنفرانس ملی فرش دستیاف ایران ۱۳۸۸ در تهران ارایه گردیده، که بخشی از آن در باره نقشمایه عقاب است. لذا ضرورت انجام پژوهش در زمینه ی نقوش جانوری قالی ترکمن احساس و نگارندگان را به نوشتن در این زمینه ترغیب نمود.

روش پژوهش:

روش گرد آوری اطلاعات بیشتر به صورت کتابخانه ای و بخشی نیز به روش مصاحبه و مشاهده ی حضوری بوده است. نحوه ی ارایه ی مطالب هم به صورت توصیفی و تا حدی تحلیلی می باشد.

آشنایی با قبایل ترکمن:

الف) تاریخچه ی قبایل ترکمن:

اقوام ترکمن جنگجو و بیابانگرد بودند که در پی قرون متمادی با مهاجرت های عظیمی که به طرف خاور میانه و جنوب شرقی آسیا داشته اند، باعث تحولات بزرگی در این نواحی شده اند. سپس در صحراهای شمال ایران و در دو طرف آن ساکن شدند و از طوایف آن می توان به "سالور"، "ارساری"، "تکه"، "یموت" و "ساریخ" اشاره کرد که مهمترین آنها "تکه" و "سالور" هستند، (قره گوزلو همدانی، ۱۳۷۱: ۳۴ - ۳۲).

طایفه ی سالور از اولاد "سالور غازان بابا" هستند. برخی نیز "طغان" را جد آنان می دانند. گویند سالور غازان بابا ترکی دلیر و صاحب شوکت بوده است. به همین جهت در دست بعضی از عشایر ترکستان که با او طرف معارضه بوده اند، کشته می شود و از او چهار پسر باقی می ماند. اول ارساری، دومین تکه، سومین پسر یموت، که مادر سالور را از زن های دیگر نجسب تر می دانند. مجملا اینکه پسران چهار گانه در مقام خونخواهی پدر بر آمده، با قبایل ترکستان جنگ ها کردند و دختری از طایفه ی ازبک به اسیری آورده و او را برای تکه به عقد بستند و تکه را پسری "یالقامش" نام متولد شد که جد طایفه ی ساروق معروف باشد. از چهار پسر غازان بابا، اول ارساری است که از اولاد او طایفه ی معروف ارساری به هم رسیدند و این قبیله با عدتی بسیار وعددی بیشمار که قریب شصت هزار خانوار می شود در سواحل رود جیحون در محلی که مشهور به لب آب است سکونت دارند و هنوز به همان حالت باقی مانده اند و طایفه ی ارساری نسبت به سایر طبقات ترکمنان با تربیت تر و معقول تر و سبک معاش و قاعده ی گذرانشان به مردمان شهرستان نزدیکتر است. دوم سالور که اگرچه به اعتقاد بعضی از مورخین نسبت این طایفه به سالور خان که لقب "تولی خان بن چنگیز خان" است منتهی می گردد، ولی به رغم این ادعا طایفه ی تکه از اولاد همان سالور اند که دومین پسر غازان بابا خان است. این قبیله خود را انجب طوایف ترکمانیه می خوانند و زیاده بر آنچه در دزدی و راهزنی خود اقدام نمایند، اشرار قبایل دیگر را برای این کار به اسب و اسلحه معاونت می نمودند و هر غنیمت و اسیری که حاصل می شده است با آنها منصفانه تقسیم می کردند. طایفه ی سالور نظر به قوت و غلبه ی سایر قبایل به جهتی دیگر در هیچ جا مرتع و مکان مخصوصی نداشتند و به طور اضطرار در چهار جو و برخی اراضی کم نفع ترکستان گذران می کردند تا آنکه اندک اندک خود را به خراسان کشیده اند (قره گوزلو همدانی، ۱۳۷۱: ۳۴ - ۳۲).

به طور کلی می توان گفت: این اقوام کوچ نشین به علت مجاورت با فرهنگهای غنی همسایگان متمدن خویش بسیاری از نمادها را از ایشان به عاریت گرفته اند. این اقوام بسیاری از نمادها

ونقشها را روی بافته ها و فرش های خود می بافند، چرا که آنان به دلیل زندگی کوچ نشینی هیچ گاه نمی توانستند دست به خلق هنرهای ماندگاری چون معماری و مجسمه سازی بزنند. در جوامع سنتی فرشها همانند دیگر آثار هنری، محل ذخیره و ناقل اطلاعاتی در مورد جهان بینی اقوام آفریننده شان بوده اند. ترکمن های کوچ نشین از اعقاب ترکان اوغوز^۱ بوده اند که با ایمان آوردن به اسلام به "ترک ایمان" یا "ترکمان" معروف گشتند. طوایف ترکمن قبل از اسلام، پیرو آیین شمنی بوده اند و به "تانگری"، "تانری"، "تاری"، "خدای آسمان" اعتقاد داشتند. ترکمن ها ظواهر طبیعت را محترم می شمردند و برای هر کدام از این عناصر قایل به خدایی بوده اند. (توماچ نیا، ۱۳۸۵: ۱۵)

ب) موقعیت جغرافیایی قبایل ترکمن:

استان گلستان با بیش از ۲۰۰۰۰ کیلومتر مربع وسعت، از شمال به جمهوری ترکمنستان، از جنوب به استان سمنان، از غرب به استان مازندران و از شرق به استان خراسان محدود شده است. ...گلستان نام جدید سرزمینی است که در طول تاریخ و تا سده هفتم هجری به نام ایالت گرگان و از آن پس تا آغاز سده دهم به نام استرآباد و در نوشته های دوران اولیه اسلامی به نام "جرجان" و از اسفند ۱۳۱۶ گرگان نامیده شده است. شهرستان ترکمن نیز در باختری ترین حد استان گلستان واقع شده است. ترکمنان علاوه بر بندر ترکمن، در شهرهای گنبد کاووس، آق قلا و گمیشان زندگی می کنند که مناطق بسیار وسیعی هستند و در آن امرامعاش می - کنند.^۱ (ساجدی، ۱۳۸۴: پایگاه ملی داده های علوم زمین)

ج) موقعیت فرهنگی و هنری قبایل ترکمن:

عمده ترین صنایع دستی رایج در استان گلستان، قالی بافی است که صرفاً در بین زنان ترکمن رایج است. زنان و دختران ترکمن از روزگاران بسیار کهن به قالیبافی اشتغال داشته و این هنر را از نسلی به نسل دیگر انتقال داده اند و نیز یکی از عمده ترین راه های معیشت در بین آنان بوده است. این قوم بیش از هر چیزی به فرش های خود علاقه مند هستند چراکه مایه ی شادی زندگی و کوچ نشینی آنها می باشد.

به غیر از قالی بافی، صنایع دستی دیگری نیز در آن منطقه رواج دارد مانند: ابریشم بافی که به خاطر فراوانی درخت توت و پرورش کرم ابریشم در استان گلستان، در میان ترکمن ها رایج است. گلدوزی که در آن از نخ ابریشم استفاده می شود. نمدمالی که بیشتر برای جل اسب و پوشاندن آن با نمدمال در زمستان و برای یورت که به معنای چادر است، به کار می رود و سابقه ای نزدیک به چهارصد سال قبل از میلاد دارد. به علاوه به دلیل جایگاه و نژاد اصیل اسب های ترکمنی، صنایع مربوط به تجهیزات اسب مانند، روزینی که از جنس قالی و گلیم است و بر روی زین اسب

انداخته می شود، دهنه که میله آهنی متصل به افسار است و در دهان اسب می افتد. تنگ که تسمه ای پهن است و آن را به کمر تا زیر شکم اسب می بندند تا پالان حیوان را محکم نگه دارد، نیز موجود است.

با توجه به آنچه ذکر شد صنایع دستی ترکمنان رابطه ای انکار ناپذیر با آداب و رسوم و فرهنگ قبایل ترکمن دارد. آن ها آنچه را که در اطراف خود می بینند، به صورت نمادین در صنایع دستی خود به کار می برند.

امروزه صنایع دستی قبایل ترکمن، به ویژه قالی بافی به دلیل اصالت نقوش و عدم تاثیر گذاری ممالک غربی جایگاه ویژه ای در سطح جهان پیدا کرده است. اما به دلیل عدم رغبت بافندگان به بافت قالی که ناشی از دستمزدهای پایین است، صادرات آن نسبت به سال ۱۳۷۳ که اوج صادرات فرش ترکمن بوده، کاهش یافته است. با این حال قالی ترکمن توسط مشتریان عمده فروش ترکمنی، به کشورهای آلمان، کانادا و تعدادی از کشورهای آفریقایی صادر می شود. (بنیسی، ۱۳۸۶: ۲۰)

معرفی انواع طرح و نقشه قالی ترکمن:

فرش های ترکمن نسبت به سایر دست بافته ها درسبک های دیگر قالی ایران، دارای ساختاری متفاوت می باشد. اگر چه این آثار از شکل کلی دستبافته های سبک عشایری، خیلی به دور نمی باشند، اما باز می توان ادعا کرد که دارای ساختاری متفاوت و خاص هستند که معرف این تولیدات می باشند. به دلیل ساختار قومی حاکم در بین این گروه، هر طایفه دارای گل های شناخته شده با نام همان طایفه می باشد و اغلب در کتب لاتین و فارسی، فرش ترکمن را بر اساس نام طوایف و گل های مرتبط با آنها بررسی نموده اند. چون اساساً نقش ها ذهنی بافت بوده و یا شاید به دلیل اینکه آموزش، سینه به سینه بوده، نقش دیگری را برای بافت، نیاموخته بودند. دلیل دیگر اینکه، هر نقش از هر طایفه، ویژگی های آن را به بلندای تاریخ خود همراه داشته، بازنمایی کرده و معرف آن طایفه بوده است. به هر جهت در کتب حاضر و شیوه متداول روز این امر جاری و ساریست و نگارنده نیز به تبعیت از آن سعی می کند ضمن تقسیم بندی بر اساس تیپ شناسی^۱ کلی فرش ایران، به گل های مرتبط با طوایف خاص نیز اشاره ای مختصر کند: طرح تکراری واگیره ای، طرح محرابی که خود شامل: محرابی قندیلی، محرابی گلدانی و محرابی درختی می باشد.

طرح باغی که برخی صاحب نظران قالیچه های ترکمن با نام قالیچه های انسی یا انگسی را در این گروه قرار می دهند. طرح لچک ترنج و طرح محرمت (ژوله، ۱۳۸۱: ۲۲) و از آنجایی که تاکید این مقاله بیشتر بر نقشمایه های حیوانی است، به همین مقدار بسنده می شود.

بررسی نقشمایه های قالی ترکمن:

شیوه زندگی هرملت و قومی آکنده از آداب و رسوم، عقاید، ایده ها و وقایع تلخ و شیرین می باشد. هر قومی به تناسب نوع زندگی و کار خویش و نحوه ی ارتباط اجتماعی با سایر اقوام و جوامع، دارای نگرش خاص خود نسبت به شیوه زیست می باشد. در وادی فرهنگ باید گفت هرملتی برای خود حماسه و اسطوره هایی دارد که برای آن ملت مقدس و قابل احترام هستند. حماسه دردل ملت جای دارد و نماد، آرزوهای فروخته، دست نایافته و سرکوب شده آن ملت است و قهرمان اسطوره ها روح و جسم انسانهای تابع آن ملت به شمار می روند. ترکمن ها نیز همانند سایر اقوام و جوامع بشری دارای سمبل های خاص خود هستند که این سمبل ها تنها ویژه ترکمن ها نیست بلکه به نسبتی درکل جهان می توان آن را به اقوام مختلف تعمیم داد. بسیاری را عقیده برآن است که ترکمن ها قبل از ظهوراسلام توتم پرست بوده اند وعده ای نیز آنها را طبیعت گرا و طبیعت پرست می دانند که حاکی از عمق ارتباط این افراد با طبیعت است. نماد گریایی و رمزپردازی از مفاهیمی است که امروزه نظر پژوهشگران زیادی را به خود جلب نموده است. در یک تعریف ساده، نماد چیزی است که به جای چیزدیگر به کار می رود و نشان آن است و برآن دلالت دارد(هال، ۱۳۸۰: ۵).

انسان بر اساس طبیعت خود، نمادهای گوناگونی آفریده است، این نمادها در هنر در سطوح مختلف و بر طبق اعتقادات و رسوم اجتماعی که الهام بخش هنرمند است، عمل می کنند. شاید اولین نمادها، نمادهایی باشند که بر اساس پرستش و تقدیس طبیعت خلق شده اند. اعتقاد براین است که اولین نمادها با زایش اولین اسطوره ها به وجود آمده اند، (کیتسی، ۱۳۷۸: ۱۸) در واقع دلیل به وجود آمدن اولین نمادها، ارتباط انسان با طبیعت طبق قانون تنازع برای بقا بوده است که برای دوام زندگی خود، یا به بهره برداری از طبیعت پرداخته یا در بعضی مواقع با طبیعت ناسازگار به مقابله برخاسته است.

انسان در سیر دوران زندگی خویش ابتدا تحت تاثیر قدرت و نیروی پر رمز و راز برخی حیوانات شروع به پرداختن اسطوره ها و نمادهای مربوط به آنها می کند، سپس متوجه زمین حاصل خیز و رشد و نمو گیاهان شده و در کانون توجهش به آسمان ها و افلاک معطوف می شود و اسطوره ها و نمادهای گوناگونی برای این مظاهر طبیعت می آفریند، (ستاری، ۱۳۷۴: ۱۴۸).

بازنمایاندن نقوش فرش ترکمن چیزی جز بررسی رابطه بین سمبل های طبیعی و جاری بین این قوم و نیز دقت در ارتباط بین معماری ذهنی زنان ترکمن با طبیعت پیرامون نیست. ترکمن ها این نقوش را «در فرهنگ کوچ نشینی خویش داشته و در مواردی از همسایگان خویش وام گرفته اند؛ بنابراین انتزاع و نمادگرایی و رمز پردازی کاملا در آنها مشهود است»، (توماچ نیا،

۱۳۸۵: ۱۲)، و این امر می تواند در حالت کلی تر یک قاعده برای مطالعات بیشتر روی فرش ترکمن باشد.

معرفی مختصری از نقوش:

به طور کلی نقوش قالی های ترکمن به سه دسته گیاهی، نقوشی که از لوازم و اسباب ضروری زندگی نشأت گرفته اند و حیوانی طبقه بندی می شوند.

گیاهان در زندگی ترکمنان حائز اهمیت هستند. مهم ترین آنها درخت توت است که منبع تغذیه کرم ابریشم می باشد و در صنایع ابریشم بافی ترکمنان تاثیر به سزایی دارد و به عنوان گیاه مفید شناخته می شود. نقش گیاهی دیگر، گل های سه شاخه ای هستند که بیشتر به عنوان جزئی کوچکتر از یک نقشمایه بزرگ، بر روی قالی های ترکمن نقش می بندند و مفاهیم نمادینی چون اول، آخر و میانه روز و یا مواضع سه گانه خورشید را دارند.

از وسایل و اسباب روزمره نیز که نموده های آنها را در دست بافته ها می توان دید، باید از یورت و یا چادر جنگی و کمان نام برد.

نقوش حیوانی نیز به دسته های کوچکتر از جمله پرندگان، چهارپایان، حشرات، خزندگان و ... تقسیم می شوند که یا مبین خود حیوان است یا جزیی از بدن او و آثار به جای مانده از اعضای بدن جانور بر سطوح دیگر را به نمایش می گذارد، به عنوان نمونه جای پای شتر، فیل و اسب. که این نقوش یا جنبه مقدس داشته اند و یا به عنوان حیوانات مفید و تاثیرگذار در معیشت قبایل ترکمن از آنها در قالی بافی استفاده شده است. حیوانات دیگر مانند عقرب که استفاده از آن در قالی های ترکمن با مفهوم دفع نیروهای شر به کار رفته است. نقش پرندگان نیز به عنوان حیوانات مفید و یا مقدس قابل توجه است. به عنوان نمونه نقش غاز که از آن برای طعام خود استفاده می کنند و یا خروس که نماد سروش است و یا طاووس که پرندۀ ای بهشتی است.

نقوش حیوانی:

الف) پرندگان

الف-۱) نقش قوش: قوش در معنای گنجشک یا مرغ به کار می رود. مرغان، بارها به عنوان نماد فرشتگان، یعنی برترین حالات وجود، یعنی نفس پاک و پاکیزه به شمار آمده اند. این موضوع از آیه ی ۱ سوره ی الصافات دریافت می شود و واژه ی «الصافات» در این آیه به معنای ظاهری و تحت اللفظی، کنایه از مرغان است که به صورت رمزی در حق فرشتگان به کار رفته است، (ستاری، ۱۳۷۴: ۱۴۸).

پرندۀ از دوران هزاره ی چهارم پیش از تاریخ در تمدن بین النهرین وشوش و پارسه ی عیلامی، مظهر ابر و پیک باران

بوده و در دوران بعدی انواعی از آن مقام و منزلت ویژه داشته است. ترکمن ها نقش پرنده را مظهر پرواز و رسیدن به اوج می دانند، (ژوله، ۱۳۸۱: ۴۷).

پرنده یا کبوتر، از مفاهیم نمادین و رمزی است. به خصوص در ارتباط با اصول نجومی و معتقدات اساطیری، پرنده از دوران پیش از تاریخ در هزاره‌ی چهارم پیش از میلاد در بین النهرین و شوش و دوران های بعدی دارای مقام و منزلت ویژه بوده است و در دوره‌ی اسلامی نیز کماکان، به عنوان نماد از آن استفاده کرده‌اند، (نصرتی، ۱۳۸۵: ۱۱۹).

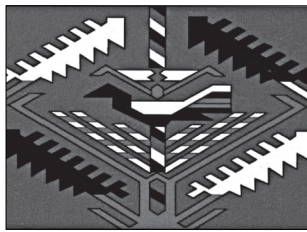
نقش مرغان که در مردابها زندگی می‌کنند، اشاره‌ای بر اهمیت آب است که برای حیات ضروری است و چون در استان گلستان تالاب های زیادی وجود دارد، انواع این پرندگان به عنوان نمادی از وجود آب به کار برده می شوند.

الف-۲) نقش سکر گیشیک^{۱۲}: این نقش به معنای خروس قندی می باشد. خروس، نماد سروش^{۱۳} است، (هانگلرین، ۱۳۷۵: ۳۰). براساس تعالیم زرتشت، این مرغ مومنان را بیدار می کند و آنها را به نیایش صبحگاهی می خواند. مومنی که هوای نفس را از خود دور می کند و به صدای خروس به گونه ی سرزنده ای برمی خیزد، اولین کسی خواهد بود که وارد فردوس می شود، (خزائی، ۱۳۸۶: ۸).

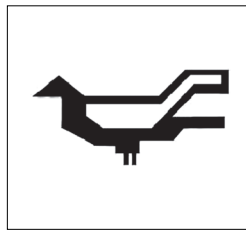
الف-۳) نقش آق غاز: این نقش به معنی غاز است و در تاریخ اسلامی یادآور ممانعت غازها از رفتن حضرت علی(ع) به مسجد برای جلوگیری از شهادت ایشان می باشد که شامل هشت سر پرنده است که چهارتای آن ها تیره و چهار تای دیگر روشن هستند که نمادی از چهار فصل، عناصر اربعه ، چهار رکن زندگی یعنی اول، آخر، ظاهر ، باطن و بهشت می باشد. چون مطابق تعاریف پیامبر، بهشت چهار گوشه بوده است، (تناولی ، ۱۳۸۳: ۱۹). این نقش شبیه نقش خرچنگی قشقایی است. نقش آق غاز در قالی ترکمن نمادی از وجود آب و پرنده ای مفید در معیشت ترکمنان می باشد که در دوره بعد از اسلام طبق حادثه تاریخی به عنوان پرنده ای مقدس و بهشتی به کار می رود.

الف-۴) نقش قشائانوس: این نقش به معنی طاووس است. نقش طاووس در میان قرص خورشید یا همراه با درخت زندگی جایگاه مهمی را در هنر ایران به خود اختصاص داده است. این نقش اغلب با مفاهیم مذهبی همراه می باشد. در دوران باستان این نقش به مثابه ی مرغی مقدس مورد توجه بوده است، (خزائی، ۱۳۸۶: ۸).

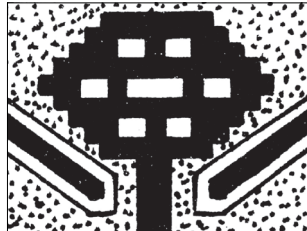
حضرت علی(ع) در نهج البلاغه خطبه ی ۱۶۵ از طاووس، به عنوان شگفت انگیزترین پرندگان در آفرینش یاد می کند و رنگ پرهای آن را با پارچه های زیبا و پر نقش و نگار یمنی مقایسه می کند، (نهج البلاغه: ۳۱۳).



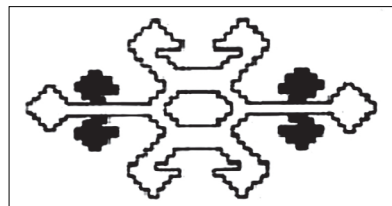
تصویر ۲: نقش پرنده. (مآخذ: stone, 2007: 319)



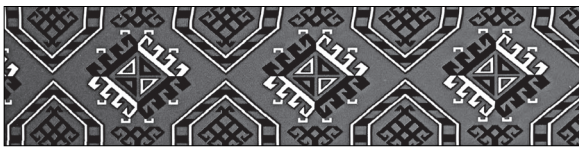
تصویر ۱: آنالیز نقش پرنده. (مآخذ: امیر حاجلو)



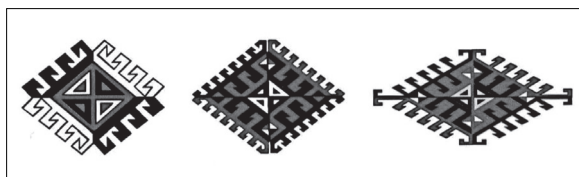
تصویر ۳- نقش سکر گیشیک، آب نبات؛ خروس قندی، (مآخذ: حصوری، ۱۳۷۱: ۷۵)



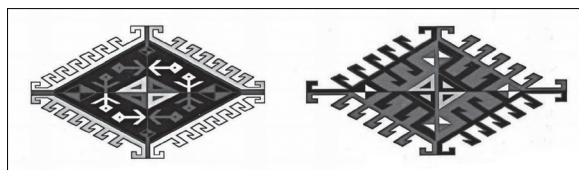
تصویر ۴- آنالیز نقش آق غاز. (مآخذ: stone, 2007: 275)



تصویر ۵- نقش آق غاز. (مآخذ: stone, 2007: 275)



تصویر ۶- نقش آق غاز. (مآخذ: stone, 2007: 275)



تصویر ۷- نقش آق غاز. (مآخذ: stone, 2007: 321)

(ژوله، ۱۳۸۱: ۴۷).

عقاب یا شاهین سمبل شمس تمام خدایان آسمان، قادر است تا دوردست‌ها به پرواز درآید و به شکلی خستگی ناپذیر درخورشید بنگرد. این پرنده از جنبه‌های معنوی، مرغی توانا و پر قدرت است که می‌تواند تا بهشت پرواز کند. نقش عقاب همواره به صورت تک یا در حال شکار نشان داده شده است. عقاب، نشان دهنده‌ی اقتدار پادشاهی و فر و شکوه است. به هر کسی که روی بیاورد رستگار می‌شود و از هر کسی که روی برگرداند، خوار و ذلیل می‌شود. عقاب یا شاهین نمادی از اهورا مزدا و نماینده‌ی خدای آسمان بوده و از این رو پادشاهان از نقش او بر روی لباس‌ها و درکاخ‌ها و روی مهرها و نقش برجسته‌ها استفاده می‌کردند تا به این وسیله خود را فرستاده و نماینده‌ی اهورا مزدا معرفی نمایند. شاهین یا عقاب هر دو نشانه‌هایی از میترا هستند و نشانه و علامت خانوادگی ساسانیان نیز بوده است. نقش عقاب به نمادی از شکوه و قدرت و نماینده‌ی خدای آسمان، در طول قرون همواره مورد توجه هنرمندان بوده است (نصرتی، ۱۳۸۵: ۱۲۱).

عقاب در بین اقوام ترک، توتم شجاعت، سحرخیزی، تک همسر گزینی، خوراک پاک و تازه است (جدی، ۱۳۸۷: ۵۱).

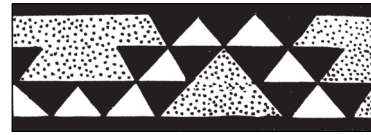
عقاب انتزاعی طرح‌ها، نیاز جان [بافنده‌ی معروف ترکمن] را با داستانی تاریخی، به یاد طغرل بیک رهبر فاتح ترکمن‌های ایران می‌اندازد و این که عقاب را طغر می‌گویند (بداعی، ۱۳۷۱: ۱۷) ترکمن‌ها به عقاب طغور می‌گویند.

در سال ۴۲۶ هجری قمری قسمتی از آغوزها با پانزده هزار سپاه به خراسان آمدند و با جنگ، خراسان را از غزنویان گرفتند و دولت سلجوقی در ایران شکل گرفت. برادران طغرل بیک «عقاب بزرگ» و چاقر بیک «شاهین بزرگ» که فرزند سلجوق از قبیله‌ی قنقلی، یکی از قبایل آغوزها بودند، دریای خزر را از سمت شمال و از کنار دریای سیاه دور زده، آسیای صغیر را به تصرف خود در آوردند. به افتخار این پیروزی علاوه بر شاخ قوچ، پرچم لشکریان ترکمن با نقش عقاب بزرگ یا «طغور گل»^{۱۵} نیز آذین بندی شد. (نورایی، ۱۳۸۸)

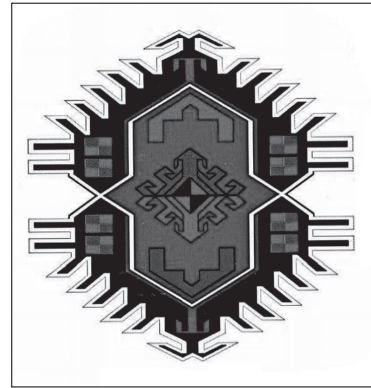
طغور گل یا نقش عقاب متعلق به طایفه جعفریای است. این نقش را می‌توان بر دیواره نگاره‌های پیش از میلاد در ایران مشاهده کرد.

چهارپایان:

ب- (۱) **نقش قویوم**^{۱۶}: این نقش به معنای قوچ می‌باشد که از هزاره‌ی سوم پیش از میلاد مسیح در تمدن فرات از صورت‌های فلکی بوده «حمل»، پس از متداول‌ترین تقویم شمسی در نیمه‌ی هزاره‌ی اول در نظام نجومی ایرانیان باستان، نشانه‌ی نقطه‌ی



تصویر ۸- نقش حاشیه طاووس (مآخذ: حصوری، ۱۳۷۱: ۵۸)



تصویر ۹- نقش طغور گل یا عقاب. (مآخذ: stone, 2007: 321)

در دوران باستان باور بر این بود که طاووس در درون قرص خورشید، به عنوان نمادی از مرغ آفتاب بوده است. در فرهنگ اسلامی نیز طاووس به مثابه‌ی یک مرغ بهشتی شناخته شده است. بر اساس متون فالنامه‌ی امام صادق (ع) و قصص الانبیای نیشابوری، طاووس به دلیل اینکه رابط بین حضرت آدم و حوا و شیطان بوده است، همراه آنان در هیبت مار یا اژدها از بهشت رانده می‌شود. حکیم سنایی نیز در دیوانش، پیامبر اسلام را به عنوان طاووس بوستان قدوسی بر می‌شمارد، (خزائی، ۱۳۸۶: ۹).

عطار در منطق الطیر، طاووس را مظهر بهشت پرستان می‌داند که در سر خیال پیشگاه سیمرغ را نمی‌پروراند، او مشتاق بازگشت به بهشتی است که به گناه همدستی با مار از آنجا رانده شده است، (همان: ۸).

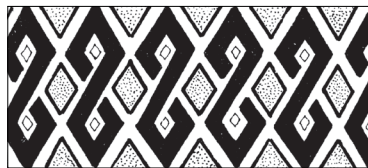
طاووس به مفهوم فنا ناپذیری، به خصوص در زمینه‌ی گبه‌ها به صورت دو تایی در مقابل هم دیده می‌شود، (هانگلرین، ۱۳۷۵: ۳۴). طاووس مرغ ناهید یا ایزد آب نیز لقب گرفته است، (ژوله، ۱۳۸۱: ۴۷).

الف- (۵) نقش بازشکاری: ترکمن‌ها به پرنده‌گان شکاری علاقه خاصی داشته‌اند و چون قدرت و شوکت در بین هر قوم و قبیله‌ای ستودنی است، آنان به این پرنده‌گان، به دیده احترام می‌نگریسته‌اند، بطوری که اکثر تمغاها^{۱۴} الهام گرفته از بازهای شکاری بوده است.

الف- (۶) نقش طغور: این نقش به معنای عقاب است. در هزاره‌ی چهارم پیش از تاریخ، عقاب نماد «مرغ خورشید» بوده است



تصویر ۱۰- نقش قوچک. (مآخذ: حصوری، ۱۳۷۱: ۱۲۷)



تصویر ۱۱- نقش مارک. (مآخذ: حصوری، ۱۳۷۱: ۱۱۲)



تصویر ۱۲- نقش موشپای. (مآخذ: حصوری، ۱۳۷۱: ۴۷)

زبون و خوار شده آن ملت است که در پی شکست از ترکمن ها راه فرار را در پیش گرفته است و نقش «سیچان ایزی»^{۱۸} که به معنای ردپای موش است در واقع نمادی از این دشمنان شکست خورده می باشد که فرار کرده و تنها ردپایی از خود بجا گذاشته اند. سیچان ایزی از کهن ترین نمادهای فرش ترکمن است و چه بسا از آغاز اولین جنگهای تاریخی ترکمن ها با آنان بوده است!

ج-۳) ساری اوچیان^{۱۹}: این نقش که در دوران پیش از اسلام با نام عقرب زرد خوانده می شد، در دوران پس از اسلام بنا بر روایتی عنکبوت نامیده شد. در مفهوم پیش از اسلامی، عقرب نماد تنزل خورشید و سرآغاز پوسیدگی و تجزیه ی نباتات است. (ستاری، ۱۳۷۴: ۲۵).

ترکمن ها عقرب زرد را نشانه ی بدیمنی می دانند و معتقدند اگر عنکبوتی از ارتفاع بالا رود بدیمن و چون پایین بیاید خوش یمن است. در حاشیه ی قالی های ترکمن نیز، نقش عقرب به عنوان سمبلی برای دفع شر به کار برده شده است. اما در مورد معنای دوم که با آمدن اسلام در بین قبایل ترکمن رایج شد می توان به داستان پیامبر اسلام (ص) اشاره کرد. روایتی است که چون پیامبر از دست کفار گریختند، در غاری پناه بردند. پس از آن عنکبوتی تارهای نازکی را به دهانه ی غار تنید و مانع رسیدن کفار به پیامبر شد. ترکمنان به پاس قدردانی از این ماجرا، این نقش را عنکبوت نامیدند و از آن در نقوش قالی هایشان استفاده کردند. (نامدار، ۱۳۹۰: ۸۳).

بدیهی است که نقش ساری اوچیان در دوران بعد از اسلام در

اعتدال بهاری و آغاز فروردین ماه گشته و فراوانی نقوشهای قوچ در هنرهای ایرانیان پیش از اسلام نیز به حکم اهمیت خاصی است که اعتدال بهاری در تمدن کشاورزی و شبانی آن روزگار داشته است (ژوله، ۱۳۸۱: ۴۷).

زن و دختر ترکمن در بافتن این طرح، تخیلات خود را در تجسم مردی که چون قوچ، قوی، کوبنده، مقاوم، سریع، نجیب، وفادار و بارور است به کار می گیرد، (قزلچه، ۱۳۸۷).

یکی از منابع معتبری که می توان با آن، قدمت و سابقه ی نقوش را اثبات کرد؛ نقوش سنگ نگاره ها هستند.

سنگ نگاره ها از قدیمی ترین نشانه های تمدن بشری هستند و تاکنون بیش از ۲۱ هزار سنگ نگاره با ۴۰ هزار سال قدمت در منطقه تیمره خمین کشف شده است. ... محمد ناصری فرد پژوهشگر سنگ نگاره های تیمره ... نقوش موجود را شامل تصاویر بزکوهی حدود ۹۰ درصد و ۱۰ درصد مابقی نقوش شامل انسان در حالات مختلف (شکار، جنگ، سوارکاری، رقص آیینی یا جادویی و ... ملبس و غیر ملبس) شتر یک کوهان و دو کوهان، حیوانات عجیب، پلنگ، شیر، گرگ، روباه، گراز، پرندگان چهارپا و دوپا، قوچ کوهی، گوزن (مارال)، زرد و شوکا، اسب با سوار و بدون سوار، مار و لاک پشت دانست.

(www.mehrnews.com)

ج) حشرات، خزندگان و ...

ج-۱) نقش مارک: این جانور، هم مورد ستایش و پرشش بوده است و هم موجب وحشت و نفرت. ظهور اسرار آمیزش بر زمین و غیب شدن ناگهانی اش در جهان ناشناخته ی زیر زمین، مایه ی ایجاد خیال و انگیزه ی قصه بافی و افسانه سازی شده است. بدین وجه که مار را موجودی مافوق انسان و طبیعت که از ارواح و جان های نیاکان مرده مدد می گیرد، پنداشته اند. پوست انداختن و ظاهر شدنش پس از ترک جلد قدیم و فرسوده به صورتی که کاملا جوان شده و جان تازه یافته این اندیشه را قوت می بخشد که مار از نظر انسان، معنایی رمزی است و بدین جهت در معتقدات و اساطیر جایگاهی مهم یافته است. مار در ایران نشانه ی اهریمن و انگره مینو است. او دشمن خدای خورشید و نشان تاریکی و سمبل خسوف و کسوف است. (نصرتی، ۱۳۸۵: ۱۲۱).

در قالی ترکمن نقش مار، نماد بدیمنی در نزد این قوم صحراگرد می باشد و سمبلی است از بلاهای طبیعی که در مسیر کوچ با آن مواجه هستند. بر این اساس نقش مارک، برای دفع بدیمنی در حاشیه ی فرش های ترکمن به کار می رود.

ج-۲) نقش سیچان^{۱۷}: این نقش به معنای موش می باشد که در فرهنگ اسلامی نماد انسان منافق و دورو است که همانند موش از (نافقاء) که به معنی سوراخ مخفی موش می باشد، برای مخفی شدن استفاده می کند. در فرهنگ ترکمن نیز، نماد دشمن

معنای دوم این نقش، به عنوان یادبودی از این حادثه مقدس بر روی قالی‌های قبایل ترکمن به کار برده شده است.

د) اعضای بدن جانوران یا اثر بدن آنها بر روی سطوح:

د-۱) **نقش ساینک**^{۲۰}: نوعی نگاره درفرش‌های ترکمن که نمادی از شاخ قوچ را نشان می‌دهد و درحواشی فرش به کار می‌رود، (عصاره، ۱۳۸۱: ۹۰).

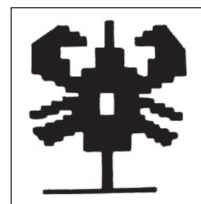
شاخ قوچ نیز در تمدن‌های باستانی نماد باران، خورشید، ماه و خدای کوهستان بوده است و خدایان در تمدن‌های کهن، کلاهی که شاخ قوچ بر روی آن نصب شده بود، برسر می‌گذاشتند. قوچ دربین ترکمن‌ها سمبل قدرت و جنگندگی و شاخ قوچ "قوچوق" نیز در بین مردم ترکمن نمادی از قدرت، نعمت و باروری بوده است. (قزلقه، ۱۳۸۷).

د-۲) **نقش فیلی گل**: سمبل موضع برتر و جای پای فیل نمادی از عظمت و قدرت و بزرگی است. در میان قبایل ترکمن با یادبود حادثه تاریخی اصحاب فیل که به کعبه حمله کردند، در میان نقوش فرش‌های آنها رایج شد. پای فیل طرحی از فرش ترکمن است با زمینه‌ای قرمز و قهوه‌ای متمایل به قرمز و نقش یک سلسله کثیرالاضلاعی به نام نقش فیل. این طرح به صورت جانمایی و گاهی بزرگ‌تر در ترکمن‌صحرای ایران و ترکمنستان بافته می‌شود. طرح پای فیل با نقش مایه هندسی هشت گوش یا لوزی بافته می‌شود که با ایجاد تغییرات در تزیینات و رنگ آمیزی آن، نقش‌های مختلف فراهم می‌شود. در میان لوزی‌ها، نقش مایه گل و برگ درخت نیز مشاهده می‌شود. طرح پای فیل نوعی از طرح بخارا است که طرح ترکمن یا طرح ماری گل یا طرح تکه نیز خوانده می‌شود.

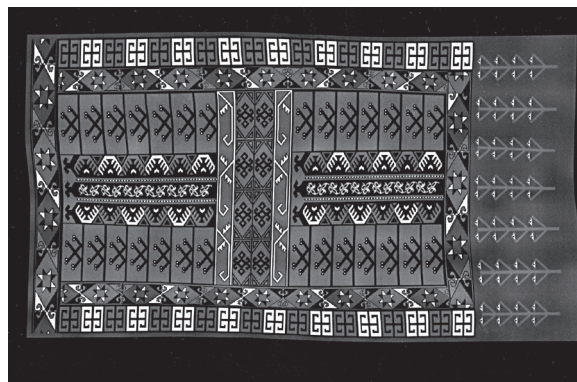
د-۳) **نقش آت ایاقی**^{۲۱}: ترکمنان به جای پای اسب، آت ایاقی می‌گویند. ایرانیان برای اسب اهمیت زیادی قائل بودند و از قدیمی‌ترین ایام، اسب را به عنوان یاری وفادار، هوشمند، چالاک، زیبا و سرفراز می‌ستودند. این حیوان را بعد از گاو مفیدترین حیوان محسوب می‌کردند و همواره آن را در هنر و ادب و عقاید خود جاودان ساخته و درباره‌ی آن افسانه‌ها و داستان‌ها ساختند. اسب در نزد آریاییان مال و دارایی خجسته‌ای بوده و از این روی به عنوان هدیه و مزد به کار می‌آمده و یا برای هدیه به ایزدان به ویژه ایزد خورشید قربانی می‌شده است. از همه بهتر، اسب سفید بوده است که رنگش با روشنی و تابندگی ربط داشته و حالت تقدس می‌گرفته است. (نصرتی، ۱۳۸۵: ۱۲۳).

اسب، ترکمن را قادر می‌ساخته است که سوار بر آن به «الامان»^{۲۲} که بزرگترین منبع درآمد وی بود، برود و از این راه زندگی اقتصادی خود را بهبود بخشد. از طرف دیگر نقش مهم اسب در جنگ غیرقابل انکار است. وجود اسب ترکمنان را قادر می‌ساخته تا با دشمنان خود به ستیز بپردازند، از خود دفاع کنند

تصویر ۱۳- نقش کزدم.
(مآخذ: حصوری، ۱۳۷۱: ۸۱)



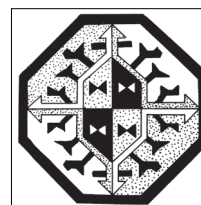
تصویر ۱۴- حاشیه‌ی ساینک. (مآخذ: stone, 2007: 299)



تصویر ۱۵- حاشیه‌ی ساینک. (مآخذ: stone, 2007: 299)



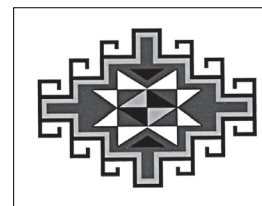
تصویر ۱۷- آنالیز نقش آت ایاقی.
(مآخذ: حصوری، ۱۳۷۱: ۱۲۳)



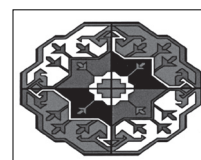
تصویر ۱۶- نقش فیلی گل.
(مآخذ: حصوری، ۱۳۷۱: ۱۲۳)



تصویر ۱۹- نقش بورك.
(مآخذ: حصوری، ۱۳۷۱: ۸۶)



تصویر ۱۸- نقش آت ایاقی.
(مآخذ: stone, 2007: 313)



تصویر ۲۰- نقش ماری گل.
(مآخذ: stone, 2007: 317)

و یا اینکه از دسترس دشمنان قوی تر بگریزند. پس اسب از این طریق در حفظ موجودیت قوم ترکمن مؤثر بوده است. چنانکه خود ترکمنان عقیده داشته اند بادی که در هنگام تاختن، از بین دو گوش اسب بر چابک سوار می وزد، همان باد بهشت است و این بیانگر اهمیتی است که اسب داشته است، (ایمانیان، ۱۳۷۰: ۴۳). اسب و قوچ دو حیوانی هستند که به عنوان سمبل مردانگی و شجاعت در میان ترکمن ها مشهورند، (همان، ۵۵).

این نقش در قالی ترکمن به تقلید از فیلیپی گل یا جای پای فیل بافته میشود. قدمت نقش اسب به ۸۰۰۰ هزار سال پیش می رسد.

د-۴) **بورک**^{۲۴}: دل گوسفند. از مهرهای دوران دامداری است که در کتاب خواجه رشیدالدین ثبت شده است. دل گوسفند را در مراسم عروسی دو نیم کرده بصورت کباب به عروس و داماد می خوراندند به این نیت که دلشان یکی گردد، (قزلیچه، ۱۳۸۷).

د-۵) **نقش ماری گل**: مار گل شاخص ترین نقش ترکمنی فرش ها- و نه تنها فرش، که هر بافته و شیء دیگر- را کوشک داوانی به معنای جای پای شتر می شناسند. آنگاه [بناز جان] به نقش شتر در زندگی ترکمن ها اشاره می کند و توضیح می دهد که چگونه این حیوان پر طاقت و زحمت کش، در میان ترکمنان از قداستی عجیب برخوردار است، تا آنجا که این مردم قدرشناس، آن را اولیا می نامند. می گوید: پس از ظهور اسلام و گسترش آن در آسیای مرکزی، به پیروی از آن فرهنگ، کراهت تصویر جانداران، مادر ترکمن را به چنین انتزاعی کشانده است و او به جای نقش شتر، این حیوان مقدس، جای پای بچه ی شتر را جایگزین آن کرده است و به این ترتیب هم قداست این حیوان را ارج نهاده و هم از فرامین دین خود پیروی کرده و هم به ارضای خواسته ی خویش پرداخته است (بداعی، ۱۳۷۱: ۱۷).

در مرکزیت این شکل ستاره هشت پر دیده می شود که در اصطلاح محلی به آن «صندوق گل» می گویند، صندوق به مناسبت جای دادن اشیا و لوازم شخصی زنان، اهمیت خاصی در زندگی ایل نشینی داشته است، بخصوص اینکه در مواقع کوچ عشایر صندوق و حفظ آن اهمیت پیدا می کرد، زیرا گرانبهاترین و مهمترین وسائل، در داخل صندوق قرار داده می شد.

صندوق^{۲۴} را هم باید از انواع حوض شمرد. این نقش متعلق به طایفه ی تکه است و به صورت هشت ضلعی کنگره ای می باشد (عصاره، ۱۳۸۱: ۱۰۰).

نتیجه گیری:

پس از بررسی های انجام شده بر روی قالی های ترکمن، مشخص شد که نقوش این دسته از قالی ها، از لحاظ تاریخی به دو دسته پیش از اسلام و بعد از اسلام تقسیم می شوند. تداوم

برخی نیز از پیش از اسلام آغاز شده و بعد از اسلام نیز ادامه یافت. گاهی نیز بر اساس دین مبین اسلام، تغییراتی در آنها دیده شد، به عنوان مثال نقش عقرب زرد که پیش از اسلام مورد استفاده قرار می گرفت به لحاظ احترام به واقعه تاریخی پنهان شدن حضرت محمد (ص) در غار و تنیدن تار در جلوی غار به امر خداوند متعال، به نقش عنکبوت تغییر یافت.

ترکمن ها در نقوش قبل از اسلام، به لحاظ پیروی از آیین های شمنی و اعتقاد به خدای آسمان، همواره جلوه هایی از طبیعت و باز نمودهایی از نیروهای خیر و شر در دستبافته های خود به کار می گرفتند. در حالی که در نقوش دوران اسلامی، علاوه بر طبیعت، آموزه های دین مبین اسلام نیز بر روی این نقوش تاثیر گذاشته و نمود آنها دیده می شود. ترکمن ها به دلیل اینکه اهل سنت بوده اند، پس از آمدن دین اسلام به ایران و به دلیل تحریم این دین مبنی بر عدم استفاده از نقوش جانوری و انسانی، در به کار بردن این نقوش تغییراتی ایجاد کردند و برای اینکه وفاداری خود را به طبیعت که در زندگی آنان نقش اساسی داشت، ثابت کنند؛ نقوش جانوری را به طور کامل از آثار خود حذف نکردند و تنها بخشی از بدن حیوانات مثل دم، بال، شاخ و ... را که از خصایص بارز هر حیوان است در آثار خود به کار گرفتند و بدین ترتیب هم وفاداری خود را به طبیعت و هم به دین اسلام نشان دادند.

این قوم کوچ نشین به علت مجاورت با فرهنگهای همسایگان خود بسیاری از نمادها را از ایشان به عاریت گرفتند. برخی را نیز بر اساس باورهای خود به نقش در آوردند مثلاً: نقش مار را نماد بدیمی می دانستند و آن را سمبلی از بلاهای طبیعی که در مسیر کوچ با آن مواجه هستند، به شمار می آوردند؛ بر این اساس نقش مارک، برای دفع بدیمی در حاشیه ی فرش های ترکمن به کار می رود.

یا نقش "سیچان ایزی" که به معنای ردپای موش است در واقع نمادی از دشمنان شکست خورده می باشد که فرار کرده و تنها ردپایی از خود بجا گذاشته اند. همچنین آنها معتقدند اگر عنکبوتی از ارتفاع بالا رود بدیمن و چون پایین بیاید خوش یمن است. در حاشیه ی قالی های ترکمن نیز، نقش عقرب به عنوان سمبلی برای دفع شر به کار برده شده است. بنابر این می توان دریافت که تا چه حد باورها و اعتقادات بومی در دستبافته های ترکمن ها متجلی است. از این رو شناسایی، حفظ و احیای نقوش اصیل ایرانی می تواند راهی برای بازگرداندن هویت ایرانی به نقوش سنتی در حال فراموشی و بازنمایی آنها در آثار معاصر باشد.

سپاسگزاری:

نویسندگان لازم می دانند از زحمات آقای محمد علی اسپنانی برای در اختیار گذاشتن تصاویر و آقای شهرداد طاهرزاده برای انجام امور گرافیکی تشکر نمایند.

جدول ۱: ویژگی های نقوش جانوری در قالی ترکمن، ماخذ: (نگارندگان)

تصویر	تلفظ	جایگاه نقش در قالی	نشانه		اسم نقش	
			قوم ترکمن	ایران باستان	فارسی	ترکمنی
	morak	حاشیه	بد یمنی	اهریمن و انگره مینو، دشمن خدای خورشید، نشان تاریکی، سمبل خسوف و کسوف	مار کوچک	مارک
	ak gas	حاشیه و متن	نماد زیست بوم ترکمنان و حیوان مفید در زندگی آنان وداستان غازها وحضرت علی	چهارفصل، عناصراربعه، چهار رکن زندگی	غاز سفید	آق غاز
	Goscha taus	به صورت دو تایی در زمینه گبه ها	فنا ناپذیری	مرغ آفتاب، مرغ ناهید، ایزد آب	طاووس	قشا تائوس
	Taghour	متن قالی	قدرت و شوکت	نماد قدرت و فر ایزدی	باز شکاری (معنای دوم)	طغور
	cyschan	حاشیه نقوش دیگر	دشمن زبون و خوار شده	نماد انسان منافق و دورو	موش	سیچان
	taghour	در متن قالی	اقتدار پادشاهی و فر و شکوه، موجودی مقدس	مرغ خورشید، نماد اهورا مزدا، نماینده خدای آسمان، نشانه میترا	عقاب و شاهین (معنای اول)	طغور
	ghoyoum	در متن و حاشیه	قدرت، نعمت، باروری	نقطه اعتدال بهاری	قوچ	قویوم
	Saynak	حاشیه	جنگندگی و قدرت	نماد باران، خورشید، ماه و خدای کوهستان	شاخ قوچ	ساینک
	Mouri gol	متن قالی	شتر نماد قداست است	نماد داستان شتر حضرت صالح وقوم نمود و حیوانی که شیر آن شفابخش است	جای پای شتر	ماری گل (کوشک دابان)
	Filpay gol	متن قالی	نماد اصحاب فیل که به کعبه حمله کردند	موضع برتر، عظمت، قدرت، بزرگی	جای پای فیل	فیلی گل
	At ajagi	متن قالی	مردانگی و شجاعت	مال و دارایی خجسته	جای پای اسب	آت ایاقی
	Bovrek	حاشیه	دل گوسفند نماد شدن دل عروس و داماد	نماد نیروهای خیر و غلبه بر نیروهای شر	دل گوسفند	بورک

21.aat ayaghi

22.alaman

23.borek

24.sandogh

۲۵. برای دیدن تصاویر و مطالب بیشتر درباره ی قالی ترکمن و سنگ نگاره ها، به سایت های زیر مراجعه فرمایید.

www.Tcoletribalrugs.com

www.Bayragh.ir

www.anobanini.ir

1.salor

2.ersari

3.tekke

4.yamout

5.sarigh

6.salor ghazan baba

7.taghan

8.yalghamish

۹. درباره ی منشا کلمه ی اوغوز عقاید مختلفی است. به نظر ترک شناس بزرگ مجار، نمت، کلمه ی اوغوز از (اوق + اوز) تشکیل شده و "اوق" به معنی تیر یعنی قبیله و "اوز" هم علامت جمع ترکی است. بنابراین اوغوز به معنی قبیله ها می باشد. از قدیم ایل اوغوز به دو شاخه ی "بوزاوق" تیر یا نیزه ی خاکستری و "اوق" سه تیر و یا نیزه تقسیم شده بود... (جدی، ۱۳۷۸: ۳۳)

۱۰. سرزمین مسکونی ترکمن ها از دو بخش دشتی و کوهستانی تشکیل شده است. ناحیه ی دشتی در جنوب اترک که دشت گرگان یا ترکمن صحرا نامیده می شود که در کرانه های دریای خزر واقعند و طایفه ی "یموت" و "جعفربای" در این منطقه ساکنند و بخش دوم در دامنه ی کوه ها و جلگه های خراسان و کوهستانهای شمال شرقی در شهرهای قوچان و درگز هستند که طایفه ی تکه مربوط به این گروه می باشد.

۱۱. طبقه بندی انواع فرش از لحاظ طرح و نقشه ی کلی را تیپ شناسی می گویند.

12. sakar gischik

۱۳. معنی این نام، اطاعت و فرمانبرداری و انضباط است. از شخصیت های محبوب باورهای ایران باستان به شمار می آید. سروش نخستین آفریده ی اورمزد است که او را می ستایند. .. بهترین نابود کننده ی دروغ است. بیش از همه مخالف دیو خشم است. به دلیل محبوبیت فراوانی که سروش در میان پیروان آیین ایران باستان دارد، در متون پهلوی گاهی به عنوان آخرین امشاسپند به شمار آمده است. (آموزگار، ۱۳۸۳: ۳۰-۲۹)

۱۴. نشانه های قبایل ۲۴ گانه اغوز

15.taghour gol

16.ghouyoom

17.cichan

18.cichan eazy

19.sari ouchian

20.saynak

فهرست منابع:

- آموزگار، ژاله (۱۳۸۳)، تاریخ اساطیری ایران، تهران: سمت.
- ایمانیان، غلام رضا (۱۳۷۰)، اسب و ترکمن، تهران: کوبه.
- بدافی، ذبیح الله (۱۳۷۱)، نیاز جان و فرش ترکمن، تهران: فرهنگان.
- بنیسی، علیرضا (۱۳۸۶)، قالی ترکمن هنری از دست رفته و در حال احتضار، فرش دستباف ایران، سال یازدهم، شماره ۳۲/۳۱: ۲۱-۲۰.
- تناولی، پرویز (۱۳۸۳)، گبه هنر زیر پا، تهران: یساولی.
- توماچ نیا، جمال الدین و طاووسی، محمود (۱۳۸۵)، «نقش درخت زندگی در فرش های ترکمن»، گلجام، شماره ۴ و ۵: ۲۴-۱۱.
- جدی، حسین (۱۳۷۸)، پیوستگی قومی و تاریخی اوغوز، شیراز: نویدشیراز.
- حضوری، علی (۱۳۷۱)، ترکمن های ایران و اقوام همسایه، تهران: فرهنگان.
- خزائی، محمد (۱۳۸۶)، «نقش نمادین طاووس در هنرهای تزئینی ایران»، کتاب ماه هنر، آذر و دی ۱۳۸۶، شماره ۱۱۱ و ۱۱۲: ۱۲-۶.
- ژوله، تورج (۱۳۸۱)، پژوهشی در فرش ایران، تهران: یساولی.
- ساجدی، او بوتراب، س. (۱۳۸۴)، گزارش اطلس ژئوتوریسم استان گلستان، پایگاه ملی داده های علوم زمین.
- سناری، جلال (۱۳۷۴)، اسطوره و رمز، تهران: سروش.
- عصاره، امیرحسین و کابلی، سیدعلی آقا (۱۳۸۱)، واژگان فرش، تهران: حافظ.
- قرلچه، متین (۱۳۸۷)، تحلیل نقشمایه های قالی ترکمن، سایت بایراغ، www.bayragh.ir
- تاریخ بازیابی ۱ اردیبهشت ۹۲.
- قره گوزلو همدانی، عبدالله (۱۳۷۱)، دیار ترکمن، یاختی.
- کیتسی، جاتین (۱۳۷۸)، «اسطوره و نشانه شناسی در ارتباط با فرش های شرقی»، مجله ی قالی، شماره ی ۹۰: ۱۸ تا ۲۳.
- گلی، امین (۱۳۶۶)، تاریخ سیاسی و اجتماعی ترکمن ها، تهران: نشرعلم.
- نامدار، زهرا (۱۳۹۰)، «تطبیق نقوش قالی ترکمن با آرم»، پایان نامه برای اخذ درجه کارشناسی در رشته فرش، استاد راهنما: محمدعلی اسپنانی، دانشکده هنر دانشگاه شهرکرد.

نصرتی، مسعود(۱۳۸۵)، «نگاره های نمادین در نمد، پیشینه ی تاریخی» کتاب ماه هنر، خرداد و تیر ۱۳۸۵، شماره ۹۳ و ۹۴: ۱۲۸ - ۱۱۸.

نورایی، فرخنده(۱۳۸۸)، سومین کنفرانس ملی فرش دستباف ایران. سخنرانی.تهران. نهج البلاغه (۱۳۷۹)، ترجمه ی محمد دشتی،تهران: پارسیان.

هال، جیمز(۱۳۸۰)، فرهنگ نگاره ای نمادها در هنر شرق و غرب، ترجمه ی دکتر رقیه بهزادی، تهران: فرهنگ معاصر.

هانگلرین،آرمن(۱۳۷۵)، قالی های ایرانی،تهران: فرهنگسرا.

F.Stone ,Peter,(2007)Tribal and Village Rugs,Thames &Hudson.

www.mehrnnews.com

تاریخ بازیابی ۱ اردیبهشت ۹۲